

خجالت نمی کشی این قدر خوب کار می کنی!؟

در همه جای دنیا برای افزایش بهره‌وری و بالابردن کیفیت کار در محیط‌های مختلف عمومی و خصوصی تلاش می‌کنند. چه با نگاه اقتصادی و چه از منظر بهبود روابط اجتماعی این تلاش معنی دارد و تمام کوشش‌ها حتی در محیط‌های علمی و دانشگاهی مطالعه و بررسی راه‌هایی است که به بالا رفتن کیفیت کار منجر می‌شود.

سالها مطالعه و پژوهش و تجربه برای این است که ببینند با تغییر رنگ و دکوراسیون محیط کار یا تغییر نور و اضافه کردن فضای سبز یا ملاحظه برخی عوامل روانی در محیط کار چگونه می‌توان اندکی کیفیت کار را بالا برد یا با مراقبت‌های مستمر از ضعف کار نیروی انسانی جلوگیری کرد.

رهبر بزرگوار انقلاب نیز در سالهای گذشته از همین منظر بر موضوع وجدان کار تأکید جدی داشتند و از دستگاه‌های ذیربط خواستند برای تحکیم و تقویت آن در میان طبقات مختلف اجتماعی برنامه ریزی کنند و فرمودند: هر کسی هر جا هست باید احساس کند مهمترین کار دنیا را دارد انجام می‌دهد و مسئولیت خود را مهمترین کار عالم بداند.

یک انسان مؤمن و شهروند متدین بر اساس آموزه‌های دینی معتقد است که باید کار خود را نیکو انجام دهد و ادای صحیح وظیفه را وظیفه شرعی و دینی خود و شرط حلال بودن درآمد خود می‌داند و یک انسان غیر ملتزم به تعالیم دینی نیز در صورت احساس مسئولیت نسبت به آینده کشور و سرنوشت فرزندان از این منظر می‌کوشد تا کار خود را به نیکوترین شکل انجام دهد. عوامل گوناگون نیز از نیاز و احتیاج، سستی و تنبلی فردی تا وسوسه‌های مالی و فریبندگی‌های مادی دیگر باعث می‌شود همواره زمینه انحراف برای افراد مختلف به وجود بیاید و سوء استفاده‌های گوناگون، سرقت از کار، کوتاهی در ادای وظایف یا تخریب امکانات شغلی رخ دهد و همه دستگاهها ظاهراً در مقابل در پی راهی برای کاهش این آسیب‌ها و افزایش کیفیت کار هستند. بدین ترتیب انتظار می‌رود کسی که بهتر از دیگران کار می‌کند و بیش از دیگران زحمت می‌کشد مورد تشویق و قدردانی باشد و آن که از کار می‌دزدد و کوتاهی و سستی می‌کند تنبیه و مواخذه شود و همه تدابیر لازم برای حمایت از کسی که زحمت کشیده و بهتر کار کرده اتخاذ گردد، اما باید به تلخی اعتراف کرد که گاهی نه تنها چنین نیست بلکه کار بر عکس می‌شود! گاهی خواسته یا ناخواسته عوامل گوناگون دست به دست هم می‌دهند تا کسی که بهتر از دیگران کار کرده احساس کند نه تنها تلاش و زحمت او مورد قدردانی نیست و بادیگران فرقی ندارد بلکه گویی آن که کمتر کار کرده بیشتر مورد حمایت و تشویق است.

گاهی عوامل مختلف - از فضای رسانه‌ای، برخوردهای عمومی در محیط کار تا نوع پرداخت‌های مالی یا تقدیر از چاپلوسی و ریاکاری و ارتقا دادن افراد نالایق - باعث می‌شوند کسی سرخورده و دچار یأس بشود که بیش از همه زحمت کشیده و احساس مسئولیت کرده، کسی که تمام تلاش خود را برای ارتقای کار انجام داده، نه از استراحت و راحتی خود بلکه از حق خانواده خود نیز زده، از جیب خود برای کارش خرج کرده، نه در ساعات موظف اداری روز بلکه شب نیز خواب کار خود را دیده و تمام وجودش را برای بهتر شدن و بهتر بودن کارش هزینه کرده است.

چنین کسی احساس می‌کند نه تنها این همه تلاش و کوشش دیده نمی‌شود بلکه دیگران از مقام مافوقش تا همکاران و دوستانش به طور غیر مستقیم از او می‌خواهند اینقدر زحمت نکشد! چنین کسی درمی‌یابد دیگران نه تنها قدردان

حرص او برای بهبود کار نیستند بلکه از خوب بودن او در کار تعجب می کنند و با زبان بی زبانی به او می گویند : " خجالت نمی کشی اینقدر خوب کار می کنی ؟"

باید به تلخی اعتراف کنیم که گاه بی آنکه بخواهیم و بدانیم با رفتار و گفتار خود فضایی ایجاد می کنیم که نه تنها تشویق کننده چنین کسانی نیست بلکه آنان را نیز به این نتیجه می رساند که باید به فکر خودشان باشند نه جامعه ، و باید به جای احساس مسئولیت نسبت به کارشان برای خود کلاهی از نمد کار بسازند!

مشکلات اقتصادی و تورم و گرانی از یک طرف و این نوع برخورد ها و رفتار ها از طرف دیگر بیش از همه افراد متعهد و دلسوز و تلاشگر را آزار می دهد . اینها هم دختر دم بخت و پسر بیکار دارند ، اینها هم می خواهند به استراحت و مسافرت با خانواده برسند ، اینها هم دوست دارند به مطالعه شخصی و ادامه تحصیل خود مشغول باشند . اینها هم می توانند صبح یک ساعت دیر بیایند و بعد یک ساعت صبحانه بخورند و بعد از آن یک ساعت با رفقاییشان گپ بزنند و از آن طرف به بهانه ناهار و نماز دو ساعت وقت صرف کنند و بعداز ظهر هم یک ساعت قبل از وقت پایان کار کیف و کلاهشان را بردارند و بروند و در نهایت منت یکی دو ساعت گفتگو با ارباب رجوع را بر سر صاحب کار خود بگذارند!

کسی که بهتر از دیگران کار می کند و قدر نمی بیند ، کسی که بیشتر از دیگران می کوشد و بر صدر نمی نشیند ، کسی که بیش از دیگران لیاقت دارد و دیده نمی شود ، کسی که از جوانی و استراحت و خانواده و جیب خودش برای کار می گذارد ولی جوابی دریافت نمی کند و در می یابد که نه تنها با دیگران فرقی ندارد بلکه از آنها عقب تر مانده است ...

راستش گاهی خودمان بی آنکه بدانیم و بفهمیم طوری عمل می کنیم که چنین کسانی در اطراف ما و در محیط کارمان به احساس یأس و سرخوردگی دچار شوند و بعد از سالها خون دل خوردن و زحمت به پشیمانی برسند چرا که در تشویق های مادی، در حمایت های معنوی، در تخصیص اعتبارات، در ارتقای مدارج سازمانی و پست های شغلی، نه تنها قدردان تلاش و کوشش بیشتر و افزایش کیفیت و بهره وری نیستیم، بلکه زحمت بیشتر و کار بهتر را توبیخ می کنیم و با تعجب و تمسخر به زبان بی زبانی به چنین کسانی می گوییم : " خجالت نمی کشی این قدر خوب کار می کنی ؟ "

خراسان - مورخ یکشنبه ۱۳۹۲/۰۵/۰۶ شماره انتشار ۱۸۴۶۴

نویسنده: محمد رضا زائری